

مدیریت خطر جرائم ارزی از منظر جرم‌شناسی

محمدعلی حاجی ده‌آبادی^۱ و محمدرضا فرهمند^۲

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت رسیدگی به جرائم ارزی و آثار نامطلوب ناشی از گسترش این قبیل جرائم و ارتباط آن با تحکیم ارکان اقتصادی نظام‌های سیاسی حاکم، قانونگذار را بر آن داشته تا با به‌کارگیری تدابیر ویژه مبتنی بر شداد و غلاظ کیفری به تقابل با هنجارشکنان این عرصه مبادرت ورزد؛ بنابراین هرچند بررسی و تحلیل سیاست کیفری کشور، متضمن تبیین نحوه تقابل کیفری با جرائم ارزی در متون علمی متعدد مورد بررسی قرار گرفته ولی بررسی این سیاست‌ها از حیث انطباق با نظریات و معیارهای موجود در حوزه جرم‌شناسی و ارائه راهکار علمی و عملی در راستای مدیریت خطر این جرائم تاکنون مورد توجه متخصصان قرار نگرفته است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و براساس بررسی مطالعات انجام شده در حوزه‌های مرتبط و با استفاده از تجارب موجود در حوزه حقوقی نظام بانکی و بررسی پرونده‌های متعدد موجود در ادارات حقوقی سیستم بانکی تدوین شد. با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی با مراجعه به کتب، منابع و مقالات تلاش شد از منظری دیگر به مقوله جرائم ارزی نگریسته شود؛ همچنین با توجه به نقش ویژه اداره حقوقی بانک مرکزی در به‌کارگیری راهبرد قضایی در برخورد با جرائم ارزی، بررسی نحوه عملکرد این مرجع از حیث انطباق با مؤلفه‌ها و معیارهای ناظر بر علوم کیفری و نظریات جرم‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. **یافته‌ها و نتایج:** در این پژوهش، ضمن تبیین مختصر نحوه تقابل کیفری با این جرائم، سیاست‌های حقوقی و قضایی از حیث انطباق با نظریات نوین حاکم در حوزه جرم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و در پایان با انتقاد از رویکردهای موجود از جمله رویکرد مک دونالدی در برخورد با این جرائم، راهکارهای مقتضی در راستای مدیریت خطر جرائم ارزی از قبیل تمسک به روش‌های پیشگیری وضعی، استفاده از دستاوردهای نظام عدالت ترمیمی و مانند آن، پیشنهاد شد.

کلیدواژه‌ها: جرائم ارزی، بانک مرکزی، برچسب‌زنی، تسامح صفر، عدالت ترمیمی

□ **استناد:** حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ فرهمند، محمدرضا (تابستان، ۱۳۹۷). مدیریت خطر جرائم ارزی از منظر جرم‌شناسی. فصلنامه

رهیافت پیشگیری، ۱(۲)، ۷۷-۹۶.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم. رایانامه: dr_hajidehabadi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم. (نویسنده مسئول). رایانامه: m.far86@yahoo.com

مقدمه

ماهیت جرائم ارزی و آثار نامطلوب ناشی از ارتکاب این جرائم بر پیکره اقتصاد کشور از یک سو و شرایط خاص حاکم بر منابع ارزی کشور از سوی دیگر، قانونگذار را بر آن داشته که با به کارگیری اهرم‌های کیفری به صیانت از حریم نظام ارزی کشور اقدام کند؛ این شداد و غلاظ سنتی و ارتباط موضوع با حقوق ملت و دولت مستلزم آن است که در بوته علوم نوین کیفری به نقد گذاشته شده و نقاط ضعف و قوت آن به نحو شفاف تبیین شود، این در حالی است که تنها سرمایه‌گذاری برابر در حوزه پیشگیری و مجازات می‌تواند موج نگران‌کننده جرایم اقتصادی را در دراز مدت مهار کند. بی‌تردید انجام این امر به تنهایی از عهده دستگاه قضایی و پلیس و مقامات تعقیب برنمی‌آید و به همه جامعه مربوط می‌شود (ابراهیمی و نائینی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). محدودیت حاکم بر منابع ارزی، شرایط ویژه کشور از حیث استمرار عملی تحریم‌ها و سوءاستفاده برخی از اشخاص از این شرایط، قانونگذار را به سوی افزایش اهرم‌های کیفری در برخورد با این جرائم سوق داده به گونه‌ای که در حال حاضر حتی نگهداری ارز بیش از سقف معین شده توسط بانک مرکزی به موجب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری شده است. شناخت مبانی جرم‌انگاری و آثار ارتکاب «جرائم ارزی» در امنیت نظام اقتصادی به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منابع ارزی کشور و در نتیجه، تحت تأثیر قراردادن نرخ ارز بسیار اهمیت دارد (مجاهد، ۱۳۹۵، ص ۵)؛ شدت عمل قانونگذار و نیز شدت عمل مجریان با گرایش به سیاست تسامح صفر، به گونه‌ای است که امکان بررسی راهکارهای جایگزین در برخورد با این جرائم به فراموشی سپرده شده؛ این در حالی است که آثار ناشی از ورود برجسب مجرمانه به اشخاص و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از برخورد شدید و اعمال سیاست تسامح صفر در مواجهه با این جرائم و توجه به روند رو به رشد استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی و سایر معیارهای علمی موجود در علوم کیفری، ذهن را به سوی طراحی یک سازوکار مبتنی بر مؤلفه‌های تخصصی جرم‌شناسی در راستای مقابله علمی و عملی با این جرائم سوق می‌دهد، به گونه‌ای که طی این مدل می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت موجود در نصوص قانونی موجود و عنداللزوم رفع برخی موانع حقوقی نه تنها نظام قضایی بلکه نظام اقتصادی و بانکی کشور و در نهایت جامعه را نیز از آثار و نتایج مطلوب آن بهره‌مند ساخت. بنابراین در این پژوهش

ضمن تشریح وضعیت موجود و تلاش برای تبیین نحوه مقابله علمی با جرائم ارزی، با تشریح نظریات جرم‌شناسی قابل ارائه در این حوزه و استفاده از دستاوردهای نظری ناظر بر نحوه برخورد فنی با مجرمان جرائم ارزی و با تبارشناسی علمی این مجرمان، راهکار دقیق مبتنی بر نظریه‌های علمی برای پیشگیری و مقابله با این جرائم ارائه شده و با پرهیز از ارائه نظریات غیرکاربردی و با تکیه بر واقعیات موجود، راهکار مقتضی برای پیشگیری و درمان جرائم ارزی ارائه شده است. حول محور مسائل ارزی مقاله‌ای با عنوان قاچاق کالا و ارز در حقوق کیفری (رحمدل، ۱۳۷۴) و پایان‌نامه‌ای با عنوان حمایت قانونگذار از نظام پولی و ارزی (حسینی، ۱۳۸۷) و کتاب امنیت اقتصادی در ایران (عزتی و دهقانپور، ۱۳۸۷) و بسیاری مقالات و کتب دیگر تدوین شده ولی بررسی موضوع از منظر جرم‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در نظام بانکداری بین‌المللی ارز به معنای پول خارجی بکار رفته و در مقابل پول داخلی، هر نوع پول خارجی پول بیگانه یا ارز نامیده می‌شود بند یک ماده ۲ قانون اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به وسیله کمیسیون نرخ اسعار مصوب ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۰۸ در تعریف ارز معنای موسعی را مد نظر داشته ولی پس از آن در تبصره ماده یک قانون معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ آمده است نقود خارجی اعم از فلزی یا کاغذی اسعار محسوب می‌شود؛ در حال حاضر قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۱ که در حال حاضر نیز معتبر است.

مطابق بندهای «ج» و «ه» ماده ۱۱ و بند «ج» ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی، تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی و نظارت بر معاملات ارزی و همچنین نظارت بر صدور و ورود ارز و تنظیم مقررات مربوط به آن و نگهداری کلیه ذخایر ارزی کشور در زمره وظایف انحصاری بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری و متولی امور ارزی کشور است و براساس همین جایگاه قانونی نیز این بانک اقدام به تدوین مقررات ارزی کشور در هفت بخش راجع به تمامی امور و مسائل مربوط به ارز از جمله، موضوع واردات کالا و نحوه اختصاص ارز به این بخش کرده است که در حال اجرا بوده و در تمامی مراجع قانونی قابل استناد و معتبر است.

تجربیات موجود، اهمیت وجود بانک مرکزی برای بر عهده گرفتن مسئولیت کلیدی مدیریت پول در اقتصاد را به خوبی نشان می‌دهد (کینگ، ۱۹۹۷، ص ۲۲۱). قانونگذار در کشور ما نیز با درک دقیق از شرایط کشور و با عنایت به شرح وظایف و صلاحیت‌های تخصصی و اختصاصی بانک‌های مرکزی در کشورهای پیشگام در صنعت بانکداری، کارکرد ویژه‌ای را برای بانک مرکزی به عنوان متولی نظام پولی کشور تعیین و با نظر داشت به مصالح کلی نظام اقتصادی کشور، تکالیف و اختیارات گسترده‌ای را برای این بانک در مدیریت مسائل ارزی کشور در نظر گرفته است. به گونه‌ای که طی ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور تصریح کرده است که: الف - بانک مرکزی ایرانی مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری براساس سیاست کلی اقتصادی کشور است؛ ب - هدف بانک مرکزی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است. بند ج ماده ۱۱ قانون مزبور نیز تأکید کرده که تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملات ارزی بر عهده بانک مرکزی است و طی بند ج ماده ۱۲ نیز اشعار داشته نگهداری کلیه ذخائر ارزی و طلای کشور بر عهده بانک مزبور است. بنابراین با توجه به مطالب یادشده و توجه به مفاد بندهای «ج» و «ه» ماده ۱۱ و بند «ج» ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی، تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی، نظارت بر معاملات ارزی و همچنین نظارت بر صدور و ورود ارز و تنظیم مقررات مربوط به آن و نگهداری کلیه ذخایر ارزی کشور در زمره وظایف انحصاری بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری و متولی امور ارزی کشور است و براساس همین جایگاه قانونی این بانک اقدام به تدوین مقررات ارزی کشور در هفت بخش راجع به تمامی امور و مسائل مربوط به ارز از جمله، موضوع واردات کالا و نحوه اختصاص ارز به این بخش کرده است که در حال حاضر در تمام مراجع قانونی اعم از ملی و بین‌المللی قابل استناد و معتبر و تعیین‌کننده رکن مادی بسیاری از جرائم در حوزه ارزی است.

گونه‌شناسی جرایم ارزی: مطابق بند الف ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور خرید و فروش ارز و هرگونه عملیات بانکی که موجب انتقال ارز یا تعهد ارزی شود یا ورود و خروج ارز یا پول رایج

کشور بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی به موجب ماده ۱۱ این قانون مقرر کرده است ممنوع بوده و متخلفان به جزای نقدی تا معادل پنجاه درصد موضوع تخلف محکوم خواهند شد. توضیح اینکه مطابق تبصره زیر این ماده تعقیب کیفی در موارد یادشده منوط به شکایت بانک مرکزی ایران است؛ مجازات موضوع این ماده در حال حاضر راجع به تخلفات ارزی واردکنندگان کالا که قبل از تصویب قانون تعزیرات حکومتی ارتکاب یافته‌اند قابل اعمال است. از سوی دیگر قانون تعزیرات حکومتی در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب و در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۱۹ نیز توسط مجمع اصلاح شد. ماده یک این قانون اشعار می‌دارد «با توجه به ضرورت و کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت‌گذاری و ضوابط توزیع؛ متخلفان از اجرای مقررات براساس مواد این قانون تعزیر می‌شوند» در ماده ۱۰ نیز تصریح می‌کند «عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است از تخلف از ضوابط و مقررات تعیین شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یا کاهش کمی یا کیفی کالا و یا خروج ارز از کشور شود. تعزیرات عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیر هستند. جریمه معادل تفاوت نرخ ارزی یا نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات، تعلیق کارت بازرگانی از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار از یکسال تا ابطال و در صورت وقوع سوء استفاده علاوه بر مجازات‌های یادشده جریمه تا پنج برابر مبلغ سوء استفاده».

این قانون در حال حاضر در حوزه جرایم ارزی، با توجه به مقررات ارزی حاکم، در رابطه با تخلفات ارزی واردکنندگان کالا قابل اعمال است که تخلفات مزبور خود مشتمل بر سه تخلف مستقل با عناوین بیش بود ارزش، کسر تخلیه و عدم ارائه پروانه سبز گمرکی است؛ همچنین به موجب بند یک ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن» جرم تلقی شده و حسب بند و همین ماده «اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و...» نیز جرم‌انگاری

شده و طبق ماده ۲ این قانون «هریک از اعمال یادشده در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد» و طبق تبصره ۵ زیر ماده ۲ «هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نیست» و حسب تبصره ۶ نیز دادگاه انقلاب به عنوان مرجع رسیدگی به این جرائم مکلف شده به موضوع خارج از نوبت رسیدگی کند، بنابراین شدت نظری و عملی قانونگذار در برخورد با این جرائم و پیش‌بینی مجازات‌هایی از قبیل اعدام و حبس ۲۰ ساله برای این جرائم لزوم بررسی دقیق موضوع از حیث انطباق با معیارهای علمی جرم‌شناسی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

غیر از جرائم ارزی یادشده، طیف دیگری از جرائم مرتبط با ارز و مقررات ارزی نیز در نظام حقوقی کشور وجود دارد که تخلفات صرافی‌ها از مقررات ابلاغی بانک مرکزی، تخلفات بانک‌ها از مقررات ارزی کشور، تخلفات و جرائم مرتبط با شرایط ویژه ناشی از تحریم‌های غرب علیه ایران، خرید و فروش ارز خارج از شبکه بانکی و بیرون از سیستم صرافی‌های مجاز، اشتغال به عملیات ارزی در قالب صرافی و غیره بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی و سایر تخلفات و جرائم مرتبط با ارز و مسائل ارزی نیز در طیف جرائم ارزی طبقه‌بندی می‌شوند توضیح اینکه با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور و ورود دولت و بانک مرکزی به حوزه مالکیت اشخاص بر نقود و اسناد ارزی مآلاً مالکیت مطلق اشخاص بر ارزهای خریداری شده با قیودات متعدد مقرراتی تقیید شده و بر این اساس جرائم ارزی در زمره جرائم علیه اموال و مالکیت قابل بررسی نیست؛ به عبارت دیگر با توجه به آثار سوء این جرائم و لطمات ناشی از آن به نظم ارزی و اقتصادی کشور، طبقه‌بندی این جرائم در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مقرون به صلاح به نظر می‌رسد؛ همچنان‌که در حقوق انگلستان و کشورهای دیگر ملهم از نظام حقوقی کامن لا از این جرائم در مجموع با عنوان جرائم علیه امنیت نام برده می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

تبارشناسی مجرمان ارزی: برخورد‌های سریع، قاطع و بعضاً خشن با جرائم ارزی، مجالی برای تبارشناسی و طبقه‌بندی مرتکبان این جرائم فراهم نساخته و از سوی دیگر طیف گسترده جرائم موصوف و تبعاً حجم و طیف مرتکبان این اعمال، انجام دقیق و علمی یک طبقه‌بندی فنی مبتنی بر یافته‌های علمی را با دشواری مواجه می‌سازد؛ با این توضیح که گستردگی این تخلفات باعث شده اشخاص زیادی اعم از تاجران ثروتمند و صرافان حرفه‌ای تا خرده‌فروشان ارز در خیابان، مشمول این عناوین مجرمانه شوند و بدین ترتیب مرتکبان این جرائم در هر دو سر طیف طبقه‌بندی رایج در جرم‌شناسی قرار دارند یعنی هم یقه‌سفیدهای حرفه‌ای و هم یقه‌آبی‌های اتفاقی، ممکن است در زمره مرتکبان این جرائم باشند ولی با توجه به میزان، حجم و اهمیت جرائم ارتكابی توسط مجرمان یقه‌سفید و نیز آثار نامطلوب ناشی از اعمال این اشخاص بر نظام اقتصادی کشور، شایسته است که جرائم ارزی ارتكابی توسط حرفه‌ای‌های این عرصه یعنی تجار، صرافان، سوء استفاده کنندگان از شرایط تحریمی و سایر اشخاصی که در حجم وسیع به عملیات ارزی اشتغال دارند مورد بررسی قرار گیرد؛ در این میان قرار دادن همه اشخاص ثروتمند و هوشمندی که مرتکب تخلف ارزی شده‌اند در گروه مجرمان یقه‌سفید نیز قضاوتی عجولانه است؛ با این توضیح که بسیاری از جرائم و تخلفات ارزی از قبیل بیش بود ارزش، کسر تخلیه و ارائه نکردن پروانه سبز گمرکی در زمره جرائم مادی صرف بوده و به صرف ارتكاب و صرف نظر از قصد و انگیزه، مرتکبان به مجازات مقرر محکوم خواهند شد؛ این در حالی است که شرایط خاص کشور یا مشکلات قراردادی ممکن است نقش مهمی در بوجود آمدن این تخلف داشته باشند؛ از سوی دیگر برخی از اشخاص در قالب‌های مختلف با سوء استفاده از وضعیت ایجاد شده در نظام ارزی در اثر تحریم‌های غرب علیه نظام بانکی به نقض نظام‌مند مقررات ارزی مبادرت می‌ورزند؛ با توضیحات اخیر، جرائم ارزی را می‌توان در زمره جرائم مبتنی بر هوش طبقه‌بندی کرد؛ پرهیز از خشونت، جلب توجه نکردن، هوش بالا، پیچیدگی عملیات اجرائی، حفظ ظواهر قانونی و نقض روح آن و سوء استفاده از اعتماد طرف مقابل، از ویژگی‌های مرتکبان این جرائم است؛ آنان از نظر سیاسی اقتصادی یا اجتماعی دارای نفوذ زیادی هستند و به اعتبار وضع آراسته ظاهری، از یقه‌آبی‌ها قابل تشخیص هستند (سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹). تجارب حاصل از تحلیل رفتار این اشخاص پس از دستگیری و نحوه تعامل آنان با کنشگران قضایی، در

طول جری تشریفات قانونی نیز مبین انطباق رفتارهای آنان با معیارهای مجرمان یقه‌سفید است، به گونه‌ای که حفظ ادب، استمرار ادبیات قانون‌مدار، هوشمندی در دفاع از اقدامات مجرمانه و سایر رفتارهای این اشخاص، مثبت این انطباق است.

همچنین شخصیت مجرمان ارزی در قالب تحلیل اقتصادی جرم نیز قابل بررسی است؛ با این توضیح که این قبیل رفتار مجرمانه در قالب یک رفتار عقلانی انجام می‌شود یعنی مجرم باهوش با بررسی همه جوانب امر و محاسبه سود و زیان و به عنوان یک انسان اقتصادی دست به انتخابی عقلانی می‌زند؛ تلقی ارتکاب جرم به عنوان منبعی برای کسب درآمد در حال گسترش است و هرچه درآمد ناشی از جرم بیشتر باشد مطلوبیت آن هم بیشتر خواهد بود (نعیمی، ۱۳۹۴، ص ۱)؛ گفتنی است در تحلیل اسلامی رفتار مجرمانه علاوه بر آثار دنیوی، پیامدهای اخروی آن نیز مدنظر جرم‌شناسان مسلمان قرار دارد و در این تحلیل تخطی هزینه‌ای جز سقوط از آدمیت به حیوانیت و واگذاری انسان به حال خود از جانب پروردگار و سخط او برای آدمی در پی نخواهد داشت که این همان خسارت عظیم و خسارت مبین است (حاجی ده‌آبادی و حائری، ۱۳۸۹).

جرائم ارزی از منظر بزه‌دیده‌شناسی: بزه‌دیده‌شناسی از شاخه‌های جرم‌شناسی است و کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی و در سال‌های اخیر اعلام وجود کرده است. در بزه‌دیده‌شناسی به دلیل غفلتی که سالیان سال درخصوص مجنی‌علیه (بزه‌دیده) مطرح بوده، پژوهش‌ها بر قربانی جرم متمرکز شد تا نقش شخصیت او در تکوین جرم معین شود و این امر تحول عمیقی در علت‌شناسی جنایی بود و بزه‌دیده‌شناسی شکل گرفت و به مرحله‌ای رسید که لازم است بزه‌دیده بیش از پیش مورد توجه واقع شود (الستی، ۱۳۸۵، ص ۲۴). در بسیاری از جرائم ارزی می‌توان بانک مرکزی را به عنوان بزه‌دیده اصلی این جرائم دانست؛ قانون‌گذار نیز نظر داشت با همین رویکرد به موجب ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی، جرائم این حوزه را به شکایت این بانک منوط کرده و رویه قضایی کشور نیز بر همین مبنا، پرونده‌های پولی و بانکی را متعاقب وصول شکایت بانک مرکزی تعقیب و استرداد شکایت توسط این بانک را از موجبات موقوفی تعقیب محسوب می‌کند ولی رفتار دست‌اندرکاران عدالت کیفری با این نوع بزه‌دیدگی تابع نظام خاصی نیست به نحوی که کسی با بزه‌دیده دولتی همدردی نمی‌کند؛ حتی پلیس نیز با بزه‌دیده دولتی شفقت کمتری دارد

(حسینی و قورچی‌بیگی، ۱۳۹۴، ص ۱۸). این در حالی است که در بسیاری از موارد دقت، ظرافت و در عین حال پیچیدگی موجود در طراحی جرائم از سوی مجرمان یقه‌سفید به میزانی است که هر شخص حقیقی و حقوقی را به اغوا می‌دارد و از سوی دیگر توجه به این نکته نیز لازم است که شخصیت حقوقی، موجودی اعتباری است که در عالم واقع به وسیله اشخاص حقیقی متعارف اداره می‌شود و لامحاله فریب خوردن متخصصان و مدیران اداره‌کننده اشخاص حقوقی، امری محتمل است و بر این اساس، بزه‌دیدگی بانک مرکزی امری است که در عمل ملازمه تام و منطقی با ویژگی‌های بزهکاران یقه‌سفید دارد؛ بانک مرکزی به عنوان بزه‌دیده دولتی در عمل با رفتاری غیر قابل پیش‌بینی از سوی مقامات قضایی مواجه خواهد شد؛ بزه‌دیده‌ای که اصولاً نظام حقوقی کشور، هیچگاه با معیارهای ناظر بر بزه‌دیده‌شناسی با وی مواجه نمی‌شود و در بهترین حالت به استناد قانون مزبور به مثابه شاکی، وی را به رسمیت می‌شناسد ولی بزه‌دیدگی بانک مرکزی در جرائم ارزی در پرتو برخی نظریات حوزه بزه‌دیده‌شناسی قابل تحلیل است؛ برای نمونه نظریه مدل و شیوه زندگی که توسط فردسن و هیندلانگ مطرح شده در پی آن است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند مطابق این دیدگاه، بزه‌دیدگی براساس سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است (بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳)؛ در این راستا تجربه حاصل از شرکت در روند پیگرد قضایی یکی از مجرمان ارزی، مبین آن است که در یکی از جلسات دادگاه از سوی خانواده متهم مطرح شد که این واقعه در اثر آن است که بانک سفره‌اش باز بوده است که تحلیل همین جمله می‌تواند موضوع یک مقاله مستقل علمی باشد؛ با این حال در این مقال می‌توان بر مبنای این تجربه عینی به این نکته توجه داشت که سبک مدیریت و نحوه تقابل و پیشگیری نظام‌مند و استقرار سیستم کنترل داخلی قوی، یکی از مسائلی است که در سبک زندگی هر شخصیت حقوقی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر سبک زندگی شخص حقوقی نیز از سوی مجرمان محاسبه‌گر مورد تحلیل دقیق واقع شده و نقاط ضعف آنان مورد تهاجم مجرمان واقع خواهد شد؛ بنابراین براساس این تحلیل، رفتارهای روزمره اشخاص حقوقی نیز می‌تواند موجبات تحریض مجرمان به انجام عملیات مجرمانه را فراهم سازد؛ بنابراین سبک زندگی بزه‌دیده می‌تواند در شتاب‌دهندگی بزه‌دیده در ارتکاب جرم مؤثر باشد (شاهیده و جعفری، ۱۳۹۲، صص ۱۲۷-۱۵۴)؛

که بر این اساس انجام بازرسی‌های مداوم، تقویت کنترل‌های داخلی، تشدید نظارت دستگاه‌های نظارتی، کاستن محدوده‌های آماج جرائم ارزی، انسداد گریزگاه‌های مقرراتی، بی‌اعتمادی به ظواهر فردی و اجتماعی اشخاص، بررسی مفاد قراردادهای منعقدہ توسط متخصصان و سایر احتیاطات منطقی و تخصصی می‌تواند موجب کاهش جرائم ارزی در کشور شود.

برچسب‌زنی در جرائم ارزی: برچسب‌زنی، انحرافات بعدی را با ترغیب کردن یک هویت منحرف افزایش می‌دهد. در میان فرآیندهای کنش متقابل نمادی، داغ ننگ یک منحرف، خود پنداره‌ای تولید می‌کند که در نهایت مشوق انحرافات بعدی می‌شود. علی‌وردی، جانعلیزاده و توحیدیان (۱۳۹۲، ص ۶۷)، نوشته‌اند که خوش‌نامی و حسن شهرت، عمود خیمه فعالیت‌های اقتصادی برای هر تاجر محسوب می‌شود و بر همین اساس، هر مسئله‌ای که این مؤلفه معیار را لکه‌دار کند، موجب ایجاد اختلال یا حتی نابودی فعالیت‌های حرفه‌ای تاجر را فراهم خواهد ساخت؛ در آموزه‌های اسلامی نیز حسن شهرت و نام نیک به عنوان عامل اساسی در زندگی اجتماعی افراد مورد حمایت شارع قرار گرفته و زیر عنوان لسان صدق یا همان نیک‌نامی مباحث، احکام و دستورات دقیق و ظریفی در کتاب و سنت در این خصوص وارد شده است به نحوی که حضرت ابراهیم علیه السلام با عبارت «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعرا، ۸۴)، نام نیک و نیک‌نامی را از محضر پروردگار متعال درخواست می‌کند و در آیات و روایات متعدد نیز با درج ضمانت اجراهای اخروی انجام هرگونه اقدام عملی و شفاهی که موجب لکه‌دار شدن حیثیت فردی و اجتماعی اشخاص را فراهم کند با واکنش شارع مقدس مواجه شده است. نظریه تعامل‌گرایی به عنوان یکی از شاخصه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، نگرش انتقادی خود را از این مکتب وام گرفته است (شاملو و محتشمی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، مطابق آموزه‌های موجود در نظریه برچسب‌زنی هر چند میان مبانی این نظریه با مبانی اسلامی از حیث نپذیرفتن جرم در چهارچوب این نظریه به عنوان یک واقعیت عینی، سنخیتی وجود ندارد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷)؛ ورود اشخاص به چرخه رسمی تعقیب کیفری و انجام رویه برچسب‌زنی، موجب ورود برچسب مجرمانه و در نهایت بدنامی اشخاص را فراهم می‌سازد؛ آثار ناشی از فرایند بدنام شدن برای تجار و بازرگانان به مراتب صعب‌العلاج‌تر است به نحوی که ترمیم بقایای آثار ننگ حرفه‌ای و بازگشت او به جایگاه اعتباری سابق، امری

دشوار و گاه محال است؛ این مشکلات می‌تواند با نابودی تولیدکننده‌ها و یا توزیع‌کننده‌ها و به دنبال آن مشکلات تأمین اجتماعی همراه باشد (غمامی و اسماعیلی، ۱۳۸۹) و بر همین اساس است که مؤلفه‌ها، ضوابط و معیارهای موجود در حقوق رقابت نیز به حمایت از حقوق ناظر بر خوش‌نامی تاجر پرداخته و بر این اساس، صیانت از نام نیک و حسن شهرت تجاری بازرگانان مورد حمایت مقنن نیز قرار گرفته است؛ بنابراین بر این اساس و در پرتو نتایج حاصل از نظریه برجسب‌زنی و برای پرهیز از بدنامی و ورود تاجر به عرصه فرایند رسمی کیفری لازم است با بهره‌گیری از این فراورده‌های غنی علمی و در راستای بهره‌گیری از آموزه‌های عدالت ترمیمی شرایط لازم از طریق اصلاح قوانین و مقررات کنونی یا تفسیر صحیح مقررات قانونی فعلی اقدامات حقوقی لازم برای صیانت از حیثیت حرفه‌ای تاجر انجام گیرد؛ با این توضیح که بانک مرکزی به عنوان شاکی این جرائم و به دنبال آن، مرجع قضایی باید در بررسی‌های خود ضوابط ناظر از نحوه پیشگیری از بدنامی تاجر و تعیین نحوه بازگشت آنان به نظام اقتصادی را فراهم و قبل از هرگونه اقدام، نهایت دقت‌های تخصصی در تصمیم‌گیری را اعمال و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن در زندگی متهمان را نیز ارزیابی کنند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و براساس بررسی مطالعات انجام شده در حوزه‌های مرتبط و با استفاده از تجارب موجود در حوزه حقوقی نظام بانکی و بررسی پرونده‌های متعدد موجود در ادارات حقوقی سیستم بانکی تدوین شد. با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی با مراجعه به کتب، منابع و مقالات تلاش شد از منظری دیگر به مقوله جرائم ارزی نگریسته شود؛ همچنین با توجه به نقش ویژه اداره حقوقی بانک مرکزی در به کارگیری راهبرد قضایی در برخورد با جرائم ارزی، بررسی نحوه عملکرد این مرجع از حیث انطباق با مؤلفه‌ها و معیارهای ناظر بر علوم کیفری و نظریات جرم‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

برخورد قضایی با تخلفات ارزی کم‌اهمیت و کوچک برای پیشگیری از تبدیل تخلفات به رویه تجاری و ایجاد قبح اجتماعی با ورود این تخلفات به چرخه قضایی با رویکرد جلوگیری از بروز جرائم مهم ارزی از قبیل اخلال در نظام ارزی کشور یکی از رویکردهایی است که در پرتو این سیاست قابل تحلیل است؛ برخورد سریع پلیس با خرده‌فروشان ارز به‌ویژه در مقاطع بروز بحران‌های ارزی در کشور و نیز طرح شکوائیه توسط اداره حقوقی بانک مرکزی و کشاندن جرائم خرد به چرخه قضایی، نشانه‌هایی است دال بر تسامح صفر در برخورد با برخی از جرائم ارزی؛ همچنین برخورد با صرافی‌های متخلف و ورود آنان به عرصه تعقیب رسمی کیفری متعاقب تخلف آنان از مقررات ابلاغی بانک مرکزی نشانه دیگری از تسامح صفر با متخلفان ارزی است این در حالی است که بانک مرکزی به موجب دستورالعمل اجرائی تاسیس فعالیت و نظارت بر صرافی‌های مصوب سال ۹۳ شورای پول و اعتبار، اختیارات گسترده‌ای در برخورد غیرقضایی با متخلفان ارزی را داراست که این مجازات‌های انتظامی، طیف وسیعی از برخوردها از ضبط ضمانت‌نامه تا لغو مجوز صرافی را در بر می‌گیرد ولی اصرار بانک مرکزی در تعقیب کیفری موضوع، علاوه بر برخوردهای انتظامی، نمونه دیگری از اعمال سیاست تسامح صفر در برخورد با متخلفان ارزی محسوب می‌شود.

روند رسیدگی مک دونالدی به جرائم ارزی: «مک دونالدی کردن»، فرایندی اداری است که در آن اصول رستوران‌های فست فود اعمال می‌شود. مک دونالدی کردن چندین نهاد اجتماعی، به دلیل برتری‌های آن بر سایر روش‌های نسبتاً قدیمی تجارت موفق بوده است. نهادهای اجتماعی مک دونالدی شده، تابع مقررات و منطق به مفهوم ماکس وبری آن شده‌اند؛ بنابراین، کارایی، قابلیت محاسبه، قابلیت پیش‌بینی و کنترل افراد، اغلب با فناوری‌های ماشینی، در آن‌ها افزایش یافته است. ویژگی دیگر این فرآیند که ضعف اساسی نهادهای مک دونالدی شده نیز هست، غیرعقلانی بودن است که «ریتزر» از آن به «غیرعقلانی بودن منطقی» یاد می‌کند؛ عدالت کیفری مک دونالدی نظم و قانون را به عنوان ارزش‌های ابزاری بر دیگر ایده‌آل‌های جایگزین همچون عدالت و آزادی ترجیح می‌دهد (بوهم، ۱۳۸۴، صص ۱۵۳-۱۸۵). آثار نامطلوب ناشی از جرائم ارزی و واکنش شدید دولت‌ها نسبت به جرائم علیه نظام ارزی، در بسیاری مواقع موجبات نادیده گرفته شدن سایر

ابعاد موضوع و منطبق نشدن رویه‌های قضایی با معیارها و دستاوردهای علوم کیفری نوین را فراهم می‌سازد؛ مداخله رسانه‌ها در روند رسیدگی قضایی، رسانه‌ای شدن موضوع و فشار افکار عمومی برای اعلام و اجرای هرچه سریع‌تر آراء صادره، زمینه لازم برای شتاب‌زدگی محاکم و سایر کنشگران عرصه تقابل با جرایم ارزی را فراهم می‌سازد؛ در کشور ما نیز بازتاب‌های رسانه‌ای و نیز در برخی موارد الزام بانک مرکزی به طرح شکایت علیه متهمان از سوی دستگاه‌های نظارتی، فرصت را برای بررسی دقیق و همه‌جانبه موضوع کاهش داده و همین مؤلفه‌ها در تعجیل قضایی در صدور رای نیز بی‌تأثیر نیست؛ بی‌توجهی به شخصیت مرتکب، بی‌توجهی به اوضاع و احوال کشور در زمینه ارزی و تأثیر آن بر ارتکاب این جرایم، نبود امکان دقیق سوءنیت متهم و صدور رای نهایی بر این اساس، موجب ایجاد نوعی عدالت کیفری رایانه‌ای در حوزه حقوق بانکی را ایجاد کرده است؛ این در حالی است که توجه به زمینه‌های ارتکاب جرایم ارزی، رعایت دقیق حقوق دفاعی متهم و سایر مؤلفه‌های منتهی به ارتکاب جرم در صدور رای عادلانه نقشی مؤثر خواهد داشت و قانونگذار نیز با واگذاری نقش شاکی به بانک مرکزی در جرایم ارزی به موجب ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی، با نظر داشت به تخصص این بانک در مدیریت منابع ارزی ضمن توجه به اصل اقتضای تعقیب، تشخیص لزوم یا عدم لزوم تعقیب قضایی این جرایم را به این بانک واگذار کرده است؛ به عبارت دقیق‌تر، مقنن با توجه به پیچیدگی‌های موجود در جرایم ارزی و دشواری تحلیل آن برای قاضی و حتی کارشناسان دادگستری، با طراحی یک مرحله پیش قضایی و واگذاری بررسی تخصصی پرونده به نهاد متخصص این امر یعنی بانک مرکزی، زمینه را برای ارتقاء سطح کیفی رسیدگی قضایی و جلوگیری از ماشینی شدن عدالت کیفری در حقوق بانکی را فراهم کرده است ولی وجود سایر مؤلفه‌ها و اثرگذاری آن بر روند بررسی تخصصی موضوع توسط بانک مرکزی، در عمل در برخی پرونده‌ها موجبات دورشدن از غرض مقنن را فراهم می‌سازد؛ نیروی انتظامی شکایتی مبنی بر تخلف ارزی را به بانک مرکزی ارسال می‌دارد و حوزه نظارت این بانک با بررسی موضوع و محمول و تشریح ماوقع پرونده را به حوزه حقوقی ارجاع داده و این حوزه نیز نسبت به طرح شکایت علیه متهم ارزی اقدام و مرجع قضایی نیز حکم به محکومیت مطابق موازین قانونی را به استناد شکایت و نظریه بانک مرکزی صادر می‌کند و این همان عدالت رایانه‌ای بدون توجه به ضوابط انسان‌شناسی و جرم‌شناسی

است؛ قاضی بر مبنای اوراق پرونده و با نگاهی به صفحات مجموعه قوانین کیفری، «بی‌انضباطی را به محاصره عظمت قانون درمی‌آورد» (فوکو، ۱۳۷۸) و این آن معیار مدنظر جرم‌شناسان نیست؛ کاهش بار تراکم پرونده‌های کیفری، کاستن از پرونده‌های ورودی به دستگاه قضایی و واگذاری رسیدگی به برخی تخلفات به نهادهایی خارج از قوه قضاییه در زمره پیشنهادهای علمی، ناظر بر افزایش کیفیت رسیدگی به تخلفات است؛ در کشور ما نیز رد پای از این نگرش به تخلفات در قانون پولی و بانکی کشور موجود است؛ به گونه‌ای که به موجب ماده ۴۴ قانون مزبور رسیدگی به تخلفات مدیران نظام بانکی به نهادی تخصصی به نام هیئت انتظامی بانک‌ها مستقر در بانک مرکزی واگذار شده و بر این اساس، ابلاغ، احضار، روند رسیدگی، صدور و اجرای حکم در فضائی تخصصی و با تکیه بر گزارش‌های فنی واصله و استماع دفاعیات گروه حقوقی و فنی متهمان و به دور از پروپاگاندای رسانه‌ای و با حضور نمایندگان سه قوه در ترکیب هیئت یادشده انجام می‌پذیرد که این اقدام ضمن تامین بسیاری از مؤلفه‌های مدنظر علم جرم‌شناسی، در بسیاری از موارد ضمن صدور حکم محکومیت برای متهمان با ایجاد شرم بازگرداننده، زمینه را برای استمرار ارائه خدمات تخصصی برای مدیران نظام بانکی فراهم ساخته و در پاره‌ای موارد نیز با تشخیص خطر بالقوه ادامه حضور وی در حوزه نظام بانکی حکم به سلب صلاحیت حرفه‌ای او به صورت دائم یا موقت صادر می‌شود؛ بنابراین این الگو برای برخی تخلفات دیگر حوزه پولی و بانکی از جمله جرائم ارزی نیز قابل اجراست به نحوی که قانونگذار می‌تواند درخصوص جرائم ارزی نیز در مواردی همچون تخلفات بازرگانان از مقررات ارزی، صلاحیت رسیدگی صدور و اجرای احکام این قبیل تخلفات را به بانک مرکزی و در نهادی با حضور نمایندگان سایر قوا واگذار کند.

پیشگیری از جرائم بانکی با روش ترمیمی: یافته‌های حاصل از تحقیق انجام شده توسط مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا به سرپرستی دکتر راشل اسمیت با عنوان عدالت ترمیمی با رویکرد کنترل جرائم اقتصادی حاکی از آن است که اجرای سیستم عدالت کیفری و توسل به اجرای حبس‌های طولانی، صرف‌نظر از تأثیر نداشتن در کاهش نرخ تکرار برخی جرائم اقتصادی موجب تأثیر نامطلوب بر خانواده مجرم، هدررفتن مهارت‌های شغلی و ظرفیت‌های شخصی او و تأثیر نامطلوب عاطفی و اثر نامطلوب بر وضعیت حرفه‌ای شرکای شغلی او را فراهم می‌آورد و بر این اساس ورود

مجرمان اقتصادی به چرخه عدالت ترمیمی به عنوان جایگزین یا روش موازی با سایر روش‌های محدودکننده مجرم پیشنهاد شده است. دکتر اسمیت بر این اساس و با توجه به پیامدهای نامطلوب ناشی از اجرای سیستم کیفری تأکید کرده که با ورود مجرم به روند ترمیمی و اجازه دادن به او برای توضیح دادن رفتار ارتكابی، علت و آثار رفتار نامطلوب مجرم اقتصادی تبیین و موجبات ایجاد شرمساری مفید و توانمندسازی مجرم و بزه‌دیده فراهم می‌آید؛ او در پاسخ به این انتقاد که مقابله نرم، اصولاً یک مجازات حقیقی نیست پاسخ می‌دهد در نظام ترمیمی ممکن است گروه‌ها تأثیر عمیقی بر متهم بگذارند و در پاسخ به این روش که در برخی از جرائم اصولاً بزه‌دیده‌ای وجود ندارد می‌گوید در بسیاری موارد منافع جامعه مورد تعرض قرار گرفته پس جامعه به عنوان بزه‌دیده قابل شناسائی است و تأکید دارد اجرای این روش، موجب کاهش نامطلوب مجازات بر بی‌گناهانی چون کارکنان شرکت، شرکای تجاری مرتکب و سهامداران را فراهم می‌سازد.

قاعده واردات ایجاب می‌کند به میزان ارز خارج شده از کشور باید کالا به همان میزان به کشور وارد شود و در این راستا سند مثبت ورود کالا به کشور عبارت‌است از پروانه سبز گمرکی؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، قانونگذار رعایت نکردن ملزومات این قاعده را جرم‌انگاری کرده و در این راستا، در بخش هفتم از مجموعه مقررات ارزی زیر عنوان مهلت ارائه پروانه گمرکی ورود کالا آمده است: «مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی ورود کالا از تاریخ واریز / ظهرنویسی اسناد حداکثر ۳ ماه خواهد بود». در صورت درخواست واردکننده، تمدید مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی در صورت ارائه اسناد و مدارک مثبت مبنی بر ورود کالا به گمرک حداکثر به مدت ۳ ماه، از انقضای مهلت ۳ ماه اولیه (مجموعاً ۶ ماه) با رعایت سایر مقررات بلامانع خواهد بود. تمدید مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی علاوه بر مهلت مقرر یاد شده در صورت صلاحدید و تشخیص (عنداللزوم با اخذ نظر بخش حقوقی) بانک عامل رأساً مورد رسیدگی و اقدام لازم قرار گیرد.

بدیهی است در مواردی که واردکننده در مهلت‌های مقرر اعطایی جهت ارائه پروانه سبز گمرکی نسبت به ارائه اسناد و مدارک مثبت حاکی از ورود و ترخیص کالا اقدام نکند، بانک عامل موظف است ضمن ضبط وثیقه مأخوذه (موضوع تبصره ۴ زیر بند (ی) بخش اول مجموعه مقررات ارزی)، مراتب را طبق بند ۱۴ این مجموعه پیگیری کند؛ و در بند آخر زیر عنوان نحوه انعکاس

موضوع تعهد ارزی (شامل ارائه نکردن پروانه گمرکی ورود کالا، کسر تخلیه و بیش بود ارزش) اشعار شده: در صورتی که حسب مورد برای مهلت‌های تعیین شده در بند ۲ واردکننده اقدامی برای رفع تعهد نکرده باشد (ارایه نکردن پروانه سبز گمرکی) و یا پروانه سبز / مدلول سند گمرکی ارایه شده دارای کسر تخلیه باشد و یا حسب اعلام دفتر تعیین ارزش گمرک جمهوری اسلامی ایران اعتبار / برات اسنادی دارای بیش بود ارزش باشد، ولی واردکننده از بابت جبران آن هیچ گونه اقدامی برای اجرای یکی از بندهای ۶ یا ۷ یا ۱۳ بعمل نیاورده باشد باید به شرح زیر اقدام شود:

۱-۱۴- در خصوص تعهدات ارزی قبل از ۱/۱/۱۳۸۱ آن بانک همچنان مکلف است ضمن در جریان قراردادن واردکننده از موضوع ایفاء نکردن تعهد ارزی، اطلاعات لازم مطابق فرم نمونه پیوست شماره ۵ همراه با یک نسخه از تصاویر اعلامیه فروش ارز صادره و فرم تعهدنامه مأخوذه (فرم نمونه پیوست شماره ۱) را به این بانک اعلام و ارسال کنند.

۲-۱۴- با عنایت به سیاست تک‌نرخی ارز از سال ۱۳۸۱ و اینکه از تاریخ مزبور، بانک‌های عامل، گشایش اعتبار اسنادی / ثبت سفارش بیروات وصولی اسنادی / حواله را به نرخ روز به انجام می‌رسانند در صورتی که واردکنندگان به تعهد ارزی خود مبنی بر ورود / ترخیص کالا و ارائه پروانه سبز گمرکی عمل نکرده‌اند، بانک گشاینده اعتبار مکلف است ضمن ارسال فرم تکمیل شده پیوست شماره ۵ به بانک مرکزی، مراتب را توسط بخش حقوقی خود، رأساً از طریق مراجع ذیصلاح (سازمان تعزیرات حکومتی استان) پیگیری و نسبت به تعقیب قضایی متعهدان ارزی اقدام و پس از حصول نتیجه مطلوب، این بانک را مطلع کنند. بدیهی است آن بانک در صورت لزوم می‌تواند به منظور دریافت راهنمایی و مشورت‌های لازم در روند پیگیری پرونده‌ها، در مورد نحوه بررسی اسناد، تنظیم شکایت، مراجع ذیصلاح رسیدگی کننده و چگونگی پیگیری پرونده‌ها، مراتب را از مدیریت کل حقوقی این بانک استفسار کنند (مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی بخش هفتم)

بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بانک مرکزی با وجود محق بودن برای طرح آنی شکوائیه در مراجع ذی‌ربط علیه متخلفان ارزی، می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود در متون قانونی و درج آن در مقررات ابلاغی مستظهر به اجازه حاصل از مادتين ۱۰ و ۱۱ قانون

پولی و بانکی با پیش‌بینی راهکارهای مختلف جهت جبران خسارت توسط اشخاص موصوف و طراحی سازوکارهایی از قبیل برگشت ارز توسط متخلف به سیستم بانکی، ارائه گواهی فروش ارز به بانک و حتی ارسال نامه برای شخص متخلف و دعوت از وی برای حل و فصل موضوع، قبل از طرح شکوائیه توسط اداره حقوقی، با تنزل مفهوم بزهکار به جایگاه بدهکار، گامی مؤثر برای تحقق اهداف و برنامه‌های عدالت ترمیمی بردارد؛ مدلی که طی آن هرچند با توجه به عدم اثبات انجام بزه توسط فرد، اطلاق عنوان بزهکار بر وی اصولاً صحیح نیست ولی در عمل می‌توان جلسات مشترک میان بانک و متخلف را گروه بزه‌دیده - بدهکار نام نهاد؛ به عبارت دیگر با اجرای سازوکارهای مندرج در مجموعه مقررات موصوف، بانک مرکزی می‌تواند با بهره‌گیری عملی از توصیه‌های عدالت ترمیمی و پرهیز از اصرار بر اجرای عاجل سیستم کیفری سنتی، ضمن برخورداری از مزایای روش ترمیمی از بروز پیامدهای ناشی از ورود برچسب مجرم و متخلف بر اشخاص و پیشگیری از تشکیل حجم وسیعی از پرونده‌های جرائم ارزی از سایر نتایج سوء ناشی از ورود اشخاص به روند تعقیب کیفری نیز جلوگیری کند.

تحلیل نحوه برخورد با صرافان متخلف از منظر جرم‌شناسی: مطابق تبصره یک ماده ۹۶ قانون برنامه پنجم توسعه «ایجاد و ثبت نهادهای پولی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه، صرافی‌ها و شرکت‌های واسپاری (لیزینگ‌ها) و همچنین ثبت تغییرات نهادهای یادشده فقط با أخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است»؛ بنابراین بانک مرکزی با اجازه حاصل از قانون مزبور دستورالعمل اجرائی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها را طی ۴۸ ماده در سال ۹۳ به تصویب شورای پول و اعتبار رسانده است؛ به موجب ماده ۴۲ دستورالعمل مزبور مجازات‌های انتظامی مختلف و متعددی برای صرافان متخلف از مقررات ابلاغی از سوی بانک مرکزی تعیین شده که این طیف از اقدامات تنبیهی مشتمل است بر تذکر کتبی، اخطار کتبی، محرومیت از برخی از فعالیت‌ها، تعلیق فعالیت صرافی، سلب صلاحیت مدیران صرافی و در نهایت ابطال مجوز صرافی؛ بنابراین بر این اساس حوزه نظارت بانک مرکزی با بررسی اسناد و مدارک و بازرسی‌های منظم دوره‌های ضمن کنترل فعالیت صرافی‌ها از حیث انطباق با قوانین و مقررات، در صورت برخورد با موارد تخلف

حسب مورد مجازات متناسب با تخلف ارتكابی را اعمال می‌کند که این سبک اقدام ضمن کاهش از بار تورم پرونده‌های ورودی به محاکم دادگستری، موجبات رسیدگی تخصصی و اختصاصی به موضوع و تعیین مجازات متناسب را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر با عدم ورود پرونده به چرخه رسمی کیفری، از ورود برجسب مجرمانه به متخلفان جلوگیری می‌شود که این رویکرد در انطباق با نظریه تعامل‌گرایی و معیارهای ناظر بر جلوگیری از به‌جای ماندن لکه مجرمیت در سابقه اجتماعی و قضایی اشخاص ارزیابی می‌شود ولی در موارد سوء استفاده کلان توسط صرافی‌های بانک مرکزی علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های انضباطی موجود در مقررات به شرحی که گذشت، موضوع را با عناوین مجرمانه‌ای همچون اخلال در نظام اقتصادی کشور به مرجع قضایی نیز منعکس و با به‌کارگیری اهرم‌های کیفری در بازگرداندن نظم مختل شده، نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ توضیح اینکه اداره حقوقی بانک مرکزی متعاقب بررسی ماهوی گزارش واصله از حوزه نظارت و با تشخیص انطباق نحوه اقدامات با یکی از عناوین مجرمانه با تکیه بر دستاوردهای سیاست تسامح صفر با انعکاس فوری موضوع به دادسرای تخصصی رسیدگی به جرائم پولی و بانکی نسبت به پیگیری قضایی موضوع اقدام می‌کند به‌عبارت دیگر این نحوه اقدام هر چند از حیث انعکاس سریع موضوع و پیگیری آن تا اعمال مجازات برای مجرمان و اجرای دقیق مجازات‌ها با سیاست تسامح صفر قابل انطباق است ولی به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این سیاست از رهگذر نظریه پنجره‌های شکسته و با رویکرد برخورد کیفری با جرائم خرد نضج گرفته در صورتی می‌توان این نحوه اقدام اداره حقوقی بانک مرکزی را با این رویکرد منطبق دانست که کوچکترین تخلفات و جرائم نیز بدون اغماض و بدون توجه به ابعاد موضوع به مرجع قضایی منعکس شود این در حالی است که این اقدام یعنی انعکاس تخلفات خرد در قالب اعمال مجرمانه به مرجع قضایی باوجود انطباق با معیارهای سیاست تسامح صفر، با معیارهای موجود در حوزه جرم‌شناسی در خصوص تفکیک و طبقه‌بندی جرائم، لزوم توجه به شخصیت مجرمان، لزوم توجه به اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده و سایر معیارها و ضوابط علمی سازگاری ندارد؛ بنابراین بر همین مبنا و در راستای جلوگیری از مکانیزه شدن تقابل با مجرمان در حوزه ارزی، لازم است که حوزه حقوقی بانک مرکزی با بررسی دقیق هر پرونده و با بهره‌گیری از نظرات متخصصان حوزه جرم‌شناسی، راهبرد متناسب در برخورد

با مجرمان را یافته و براساس آن اقدامات مقتضی اعم از انتظامی یا قضایی را پیگیری کند.

بحث و نتیجه گیری

مدیریت نظام بانکی و کنترل نقدینگی و مدیریت دارایی‌های خارجی در کشور از وظائف بانک مرکزی است و اصولاً ظهور بانک‌های مرکزی به منظور رفع سوء مدیریت در اقتصاد است (ویر، ۱۹۹۷، ص ۶۳)؛ نتایج حاصل از این مقاله حاکی از آن است که انجام اقدامات مرتبط با پیشگیری وضعی مبنی بر انجام بازرسی‌های مداوم، تقویت کنترل‌های داخلی، تشدید نظارت دستگاه‌های نظارتی، کاستن محدوده‌های آماج جرائم ارزی، انسداد گریزگاه‌های مقرراتی، بی‌اعتمادی به ظواهر فردی و اجتماعی اشخاص، بررسی مفاد قراردادهای منعقدہ توسط متخصصان حقوقی و سایر احتیاط‌های منطقی و تخصصی می‌تواند موجبات کاهش جرائم ارزی در کشور را فراهم سازد؛ از سوی دیگر استفاده از دستاوردهای نظام عدالت ترمیمی نیز می‌تواند در مدیریت جرائم ارزی، جبران خسارت‌های وارده بر نظام ارزی کشور و پیشگیری از ورود بر چسب مجرمانه به اشخاص فاقد سابقه کیفری نقش مهمی را ایفا کند؛ در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین حبس و اعمال مجازات‌های اجتماعی نیز می‌تواند در راستای انطباق سیاست کیفری با موازین جرم‌شناسی به عنوان یک پیشنهاد علمی به مقنن ارائه شود؛ همچنین اعطاء اختیارات قانونی به بانک مرکزی در راستای رسیدگی به جرائم ارزی نیز ضمن کاستن از بار پرونده‌های ورودی به قوه قضاییه و با تامین بسیاری از مؤلفه‌های مد نظر علم جرم‌شناسی، زمینه ارتقاء سطح کیفی رسیدگی‌های تخصصی را فراهم خواهد ساخت؛ همچنین آگاه‌سازی مردم از مقررات ارزی و تبیین امکان ورود ناخواسته اشخاص به چرخه رسیدگی قضایی در اثر ناآگاهی از این مقررات می‌تواند در پیشگیری از بروز این جرائم نقش اساسی را ایفا کند.

پیشنهادها

- الف: سعی در طراحی‌های مبتنی بر خروج جرائم ارزی از مسیر رسیدگی‌های رسمی؛
 ب: واگذاری رسیدگی به تخلفات و جرائم سبک ارزی به قوه مجریه در راستای اصل کیفی بودن جرائم و مجازات‌ها؛

ج: تخصصی تر کردن رسیدگی های کیفری با دخیل کردن دستگاه های اجرائی ذی ربط در فرآیند رسیدگی؛

د: استفاده از دستاوردهای علوم نوین کیفری و خروج آنها از ویتترین نظری و کشاندن آنها به عرصه عملی؛

ه: توجه به رویکردهای ناظر بر پیشگیری وضعی و جلوگیری از ارتکاب جرم ارزی؛

و: تسری تجربه موفق بانک مرکزی در استفاده از دستاوردهای عدالت ترمیمی به سایر حوزه ها.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابراهیمی، شهرام و صادق نژاد نائینی، مجید. (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرائم اقتصادی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵*.

حاجی ده آبادی، محمدعلی و حائری. (۱۳۸۹). بررسی هزینه های جرم با نگرش اسلامی. *مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴*.

حسینی سیدمحمد. (۱۳۸۷). بررسی نظریه برجسب زنی با نگاه به منابع اسلامی. *فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۴*.

حسینی، سیدمحمد و قورچی بیگی. (۱۳۹۴). تحلیل بزده دیده شناختی جرائم یقه سفیدها. *مجله پژوهش حقوق کیفری*.

رحمدل، منصور. (۱۳۷۴). قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری. *مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۰*.

الستی، ساناز. (۱۳۸۵). بزده دیده شناسی و پیشگیری از بزده دیدگی. *مجله دادرسی، شماره ۶۵*.

سلیمی، صادق. (۱۳۸۷). مجرمان یقه سفید و سیاست کیفری ایران. *فصلنامه حقوق، دوره ۳۸*.

شاملو باقر و محتشمی. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل گرایی و پنجره های شکسته و تأثیر آنها بر سیاست جنائی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲*.

عزتی، مرتضی و دهقان پور، محمدعلی. (۱۳۸۷). *امنیت اقتصادی در ایران*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش های مجلس.

علیوردی نیا، اکبر، جان عزیززاده و توحیدیان. (۱۳۹۲). تأثیر برجسب زنی بر گرایش دانشجویان به رفتارهای انحرافی. *مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۲*.

غمامی، سیدمحمد و اسماعیلی، مهدی. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی نظام حقوقی رقابت در ایران و فرانسه. *پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲*.

فوکو، میشل. (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه*، (سرخوش جهاننیده، مترجم). تهران: نشر نی.

کینگ، مروین. (۱۹۹۷). *پول، بانکداری و آینده اقتصاد جهانی*. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

مجاهد، مهدی. (۱۳۹۵). گونه شناسی جرائم ارزی. *فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۳*.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۳). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*. تهران: نشر میزان.

نعیمی، سیدمرتضی. (۱۳۹۴). تحلیل اقتصادی رفتار بزده کار و تبیین بازدارندگی مجازات. *پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دو*.

وبر، اولاف. (۱۹۹۷). *بانک های اجتماعی و آینده تامین مالی پایدار*. تهران: انتشارات مؤسسه رسا.